

## ملاحظات دربارۀ کتاب آیات بینات<sup>۱</sup> و رویارویی با داروینیسیم<sup>۲</sup>

کامران امیر ارجمند<sup>۳</sup>

در این مقاله ابتدا شمه کوتاهی از تاریخ مواجهۀ ایرانیان با علوم غربی و به‌ویژه تاریخ طبیعی بیان می‌شود. سپس نویسنده کتاب آیات بینات معرفی می‌گردد. در بررسی محتوای کتاب، ابتدا مطالبی راجع به روش‌شناسی و سپس به نقد داروینیسیم و مطالب دیگر آن پرداخته می‌شود. در خاتمه آیات بینات با کتاب دیگری با موضوعی مشترک به نام کتاب مرتفق مقایسه خواهد شد.

### انتقال علوم غربی به ایران

با تأسیس دارالفنون توان فرهنگی ایران برای دستیابی به نظریه‌های علمی غرب قوت گرفت. کتاب‌های علمی چندی به زبان‌های اروپایی به ایران آورده شد و معلمان اروپایی خود به تهیه جزواتی برای تعلیم در دارالفنون اقدام کردند. همچنین دانشجویانی که به اروپا گسیل شده بودند، پس از بازگشت یا مستقیماً به گسترش این نظریه‌ها پرداختند یا عامل اشاعه و فراگیری زبان‌های اروپایی شدند که به نوبه خود دستیابی به منابع علمی غربی را میسر می‌کرد. از طریق همسایگان آن زمان ایران به خصوص هند و ترکیه عثمانی و ولایات تابع آن، عراق و شام و مصر، نیز انتقال این نظریه‌ها به ایران صورت می‌گرفت. بدین‌سان افکار و نظریه‌های علمی غربی در نیمه دوم قرن ۱۳ هجری (۱۹ میلادی) در ایران تا حدودی نهادینه شد. البته هنوز در این زمینه تحقیقات جامعی به عمل نیامده و جزئیات آن ناشناخته مانده است.

ماتریالیسم و نظریه‌های اروپایی تکامل طبیعی هم به ایران رسید و طرفدارانی پیدا کرد. ولی به نظر می‌رسد که این نظریه‌ها ناپیوسته و احتمالاً غیر مستقیم و پراکنده به ایران رسیده باشند.

۱. این کتاب فقط یک بار در لاهور چاپ سنگی شده و بسیار نایاب است. ویرایش جدیدی از این کتاب با پیشگفتاری از نگارنده به‌زودی منتشر خواهد شد. تمام ارجاعات به این کتاب در این مقاله مربوط به ویراست جدید آن است.

۲. متن سخنرانی ایراد شده در پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران در ۱۸ آبان ۱۳۹۵.

۳. kamran.arjomand@bibliothek.uni-halle.de

نظریه‌های تکامل طبیعی در اروپا از اوایل قرن ۱۹م/۱۳ ابتدا توسط لامارک<sup>۱</sup> و دیگران و بعد داروین<sup>۲</sup> تدوین شد. این نظریه‌ها نه تنها در غرب بلکه در سایر نقاط عالم طرفداران و مخالفان فراوانی پیدا کردند و مناقشات بی‌شماری در پی داشتند. این بحث‌ها هنوز هم در چارچوب علمی، اخلاقی و دینی ادامه دارد.

اما در ایران محمد تقی خان انصاری کاشانی در سال ۱۲۸۷ق/ ۱۸۷۰م کتابی با اقتباس از منابع اروپایی به نام جانورنامه تألیف کرد. فریدون آدمیت این کتاب را مطرح کننده نظریه تکامل داروین می‌داند.<sup>۳</sup> پس از وی تعداد زیادی از فرهیختگان نیز آن گفته را تکرار کرده‌اند، شاید بدون آنکه این کتاب را از نزدیک بررسی کرده باشند. حال آنکه در این کتاب نام داروین ذکر نشده است و متن آن نیز در بر گیرنده مطالبی که وجه تمایز نظریه داروین با پیشینیان وی را نشان دهد، نیست. به عنوان مثال در این کتاب هیچ اشاره‌ای به اصل تنازع بقا و انتخاب طبیعی نشده است. بنابراین نمی‌توان و نباید جانورنامه را تبیین آرای داروین دانست. بررسی این کتاب مشخص می‌کند که محتوای آن بر پایه نظریه تکامل لامارک بوده است با اضافاتی که به تحقیقات و دسته‌بندی جانوران توسط ژرژ کوویه<sup>۴</sup> و دیگران در اوایل تا نیمه قرن ۱۹ برمی‌گردد. در ضمن نویسنده نیز در مواردی نظرات و تعبیر خودش را در متن می‌آورد. بخش آخر کتاب نیز به جانوران زهردار ایران اختصاص دارد، که از تحقیقات خود نویسنده است.<sup>۵</sup>

ورود نظریه داروین به ایران از طریق ولایات همسایه به احتمال زیاد در وهله اول عمدتاً از دو سو صورت گرفته است: یکی از شرق، از جانب شبه قاره هند و دیگری از غرب، یعنی پس از درج مقالات و بحث‌های متعدد در مورد نظریه تکامل طبیعی به ویژه عقاید داروین، در مجله المقتطف از سال ۱۸۷۷م به بعد. این مجله در ابتدا در بیروت چاپ می‌شد و بعد به قاهره منتقل شد. ولی در مقابل، اولین ترجمه فارسی کتاب بنیاد انواع<sup>۶</sup> اثر داروین در سال ۱۳۱۸ش/ ۱۹۳۹م چاپ شد، یعنی پس از گذشت بیش از ۶۰ سال از نشر این عقاید در بلاد شام. به نظر می‌رسد که تا این تاریخ نظریه داروین به‌طور پراکنده و بیشتر از طریق منابع شفاهی به ایران رسیده است. البته کتاب رد فلسفه دارون اثر محمد رضا اصفهانی، که از منابع عربی استفاده کرده است، تصویر دقیقی از نظریه داروین به دست می‌دهد. ولی این کتاب به عربی است و در بغداد به سال

1. Jean-Baptiste de Lamarck (1744-1829).

2. Charles Darwin (1809-1882).

۳. رجوع شود به اندیشه‌های ترقی در حکومت قانون، تهران ۱۳۵۱، ص ۲۴.

4. George Cuvier (1769-1832).

۵. اخیراً آقای عرفان خسروی مقاله‌ای در همایش «رویارویی علم قدیم و جدید در عصر قاجار» در پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران عرضه کردند که در آن به نتایج مشابهی رسیده‌اند.

6. *On the Origin of Species*

۱۳۳۱ قمری یعنی ۱۲۹۲ش/۱۹۱۳م چاپ شد. این اثر سالیان دراز در قلمرو زبان فارسی مورد توجه و استناد قرار نگرفت.

شیوع این افکار در هند به متجددین در آن سرزمین به‌ویژه به سِر احمد خان نسبت داده می‌شود. طرفداران این افکار، به خصوص پیروان ماتریالیسم و نظریه‌های تکامل طبیعی، از طرف مخالفان به «نیچری»<sup>۱</sup> موصوف شدند. در ایران به آن‌ها «دهریون» نیز گفته می‌شد. ورود و انتشار این نظریه‌ها در ایران و مناطق همجوار عکس‌العمل‌هایی از جانب علما و سایر صاحب نظران برانگیخت. تقریباً هم‌زمان دو رساله از طرف زعمای مسلمانان به زبان فارسی در هند چاپ شد. اولین مکتوب رساله جمال‌الدین اسدآبادی، در خارج از ایران معروف به افغانی، در رد نیچریه بود که با عنوان حقیقت مذهب نیچری و بیان حال نیچریان در سال ۱۲۹۸ق/۱۸۸۱م در حیدرآباد دکن چاپ شد. پنج سال بعد هم ترجمه‌اش به عربی با عنوان الرد علی الدهریین در مصر توسط دوست و مریدش محمد عبده منتشر شد. در این کتاب جمال‌الدین به اجمال نظریه‌هایی را که به نیچریان منتسب می‌کند نقل و رد می‌کند، اکثراً بدون اینکه اطلاعاتی درباره منشأ و پدیدآورندگان آن‌ها به دست دهد. این نظریه‌ها که جمال‌الدین آن‌ها را در تزهایی خلاصه می‌کند ریشه در ماتریالیسم اروپای قرن ۱۹ دارند ولی به‌سادگی نمی‌توان منشأ آن‌ها را بازبایی کرد. نظریه‌های یادشده طیف وسیعی را تشکیل می‌دهند که به احتمال قوی شامل اندیشه‌های برگرفته از ماتریالیسم لودویگ بوشنر<sup>۲</sup> و نظریه‌های تکامل اجتماعی اسپنسر<sup>۳</sup> و شاید مارکس باشد. از سوی دیگر جمال‌الدین به نقد آنچه خود به داروین نسبت می‌دهد، می‌پردازد. بررسی رساله جمال‌الدین اسدآبادی در اینجا ضروری نیست، و تنها برای مقایسه با کتاب آیات بینات نگاهی کوتاه به آن می‌اندازیم.

چنان‌که آلبرت حورانی در کتاب فکر عربی در عصر لیبرال<sup>۴</sup> و خانم نیکی کدی در کتاب خود پاسخ اسلامی به امپریالیسم<sup>۵</sup> راجع به اسدآبادی تصریح می‌کنند، انگیزه اسدآبادی در نوشتن ردیه‌اش بر نیچریه مبارزه سیاسی با سید احمد خان بود؛ زیرا سید احمد خان باور داشت که باید با دولت انگلیس، که در آن زمان بر هندوستان حکومت می‌کرد، سازش و تساهل کرد. البته اسدآبادی خود با طرفداران سید احمد خان در اینکه علوم غربی برای مسلمانان مفید است، با این قید که

۱. این صفت ترکیبی از واژه انگلیسی نیچر (nature)، به معنای طبیعت، و یای نسبت است.

2. Ludwig Büchner (1824-1899).

ماتریالیسم بوشنر معروف به ماتریالیسم مکانیکی است که وی در کتاب خود ماده و نیرو مطرح می‌کند:

Ludwig Büchner: *Kraft und Stoff*, 1855.

ترجمه انگلیسی:

*Force and matter: empirico-philosophical studies, intelligibly rendered*, 1864.

3. Herbert Spencer (1820-1903).

4. Hourani, Albert: *Arabic thought in the liberal age: 1798-1939*. London: Oxford University Press, 1962.

5. Keddie, Niki R.: *An Islamic Response to Imperialism: Political and Religious Writings of Sayyid Jamāl ad-Dīn "al-Afghānī"*. Berkeley: University of California Press, 1968.

ایمان آنان را خدشه‌دار نکند، همراه بود. هدف اسدآبادی بدنام کردن سید احمد خان و پیروانش بود. ولی انگیزه تألیف کتاب آیات بینات، چنان که از عنوان قرآنی آن برمی‌آید، بیشتر جنبه دینی داشت. این دغدغه که علوم غربی می‌تواند ایمان مسلمین را سست کند مسلماً یکی از انگیزه‌های نویسنده آن بود. بدین خاطر هم عنوان کتابش را آیات بینات نهاد. در قرآن مجید سوره بینات در مقابله با کفار آمده است.

به نظر می‌رسد کتاب آیات بینات قدیم‌ترین اثری است که توسط یک مرجع تقلید شیعه در رد ماتریالیسم و نظریه‌های تکامل طبیعی غربی قرن ۱۳ق/۱۹م نگاشته شده و بدین خاطر این کتاب از اهمیت ویژه‌ای برای تدوین تاریخ فرهنگ و علم در ایران و در قلمرو زبان فارسی برخوردار است. به علاوه این کتاب به جهت توجیهی که در توصیف وجود گوناگونی در انواع به دست می‌دهد نوآور و همچنین از نظر روش شناختی درخور توجه علمی است.

نگارش کتاب آیات بینات با فاصله چند ماه پس از انتشار رساله جمال‌الدین اسدآبادی، در ۱۲ ربیع الثانی سال ۱۲۹۹ق پایان یافت و سپس در لاهور چاپ شد. نویسنده آن عالم شیعی، محمدحسین حائری شهرستانی است. او در ابتدای کتاب بیان می‌کند که آن را به درخواست عده‌ای از «صلحای آن نواحی» نگاشته است که از مرکز اسلام به دور هستند (ص ۸). یک نسخه خطی از این کتاب در کتابخانه آستان قدس نگهداری می‌شود که به احتمال زیاد به خط مؤلف یا به هر حال متعلق به او بوده است.<sup>۱</sup> عنوان کامل آن آیات بینات در رد دهریین است. در حاشیه این نسخه در مقابل واژه دهریین توضیح داده شده است که در زبان اروپاییان به آن‌ها نیچری می‌گویند. کتاب آیات بینات نه تنها برای رد نظریات نسبت داده شده به نیچریان، بلکه برای ارشاد این گروه و پیروانشان به راه اسلام است. بخش عمده‌ای از این کتاب در اثبات توحید، نبوت در اصول دین و معجزات پیامبران است. به نظر می‌رسد که هدف شهرستانی در این راستا برطرف کردن شبهاتی بود که از جانب پیروان علوم غربی درباره حقیقت بعضی از معتقدات دینی احیاناً ابراز می‌شد.

بعید است که شهرستانی هنگام نگارش آیات بینات رساله اسدآبادی را دیده باشد چون در کتاب اشاره‌ای به آن نیست. به علاوه، هیچ یک از انواع ماتریالیسم را که اسدآبادی به آن‌ها پرداخته، شهرستانی بررسی نکرده است. چنان که خواهد آمد، استدلال‌های شهرستانی کلی و فلسفی است. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که در هر دو نوشته بحث بیشتر در رابطه با رد کلیات نظریات نیچریان است تا بر سر جزئیات آن. ممکن است گمان شود که آیات بینات نه

۱. نسخه شماره ۳۷، کتابت جمادی الثانیه ۱۲۹۹ق.

برای ایرانیان، بلکه برای مسلمانان آن زمان هند نوشته شده است. ولی مطالبی در کتاب آمده است، همچون اشاره به آزمایش‌های میرزا ملکم خان، که حیثاً برای آموزش شاگردان در دارالفنون انجام می‌داد، که نشان می‌دهد مسلماً مخاطب ایرانیان هم بوده‌اند، چه آزمایش‌های میرزا ملکم خان نمی‌توانسته برای اهالی آن زمان هند شناخته شده باشد (ص ۲۴) و همچنین اشاره به سفر ناصرالدین شاه قاجار به اروپا و گزارش‌های وی درباره پیشرفت‌های علمی و فنی آن دیار (همانجا) نشان می‌دهد که مخاطب باید ایرانیان نیز بوده باشند که می‌توانستند به سفرنامه ناصرالدین شاه دسترسی داشته باشند.

### زندگی و آثار مؤلف

محمدحسین فرزند محمدعلی مرعشی شهرستانی در ۱۵ شوال ۱۲۵۵ق در کرمانشاه به دنیا آمد. در نوجوانی برای فراگیری علوم دینی به کربلا رفت. پدرش محمدعلی مرعشی یکی از مجتهدانی بود که در آن هنگام در کربلا تدریس می‌کرد. وی ابتدا نزد پدر به آموختن علوم دینی پرداخت و در سال ۱۲۸۲ق از پدرش اجازه اجتهاد دریافت کرد، ولی باز در آن حوزه به تحصیل معلومات فقهی ادامه داد و نهایتاً در سال ۱۲۸۷ق به کسب اجازه اجتهاد از آیت الله حسین فاضل اردکانی نایل شد و خود نیز به مدرسان آن حوزه پیوست. پس از مرگ استاد ریاست دینی و کرسی درس به وی رسید.<sup>۱</sup> وی مدتی در مشهد و بعد در تهران اقامت کرد. در تهران مورد احترام ملاعلی کنی قرار گرفت و پس از فوت وی در سال ۱۳۰۶ق به جای او زعامت مردم را به عهده گرفت.<sup>۲</sup> شهرستانی پس از مدتی که در تهران به سر برد به کربلا برگشت و در همانجا در سوم شوال ۱۳۱۵ق درگذشت.



صفحه عنوان چاپ سنگی آیات بینات

۱. سپهری اردکانی، علی، تاریخ اردکان، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۲۶.

۲. ستارگان حرم، جلد ۱۶، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵-۱۰۷.

مادرش فاطمه دختر آقا احمد کرمانشاهی (بهبهانی) عالم و سیاح معروف بود. شهرستانی در خانواده‌ای رشد کرد که حداقل از طرف خانواده‌ی مادری نظر مساعدی نسبت به علوم و فناوری غرب داشت. پدر بزرگ وی، آقا احمد کرمانشاهی، نوه‌ی مجدد نامدار آقا وحید بهبهانی بود و پس از فراغت از تحصیل علوم دینی در نجف چندین سال به سیر و سیاحت در ایران و عراق و هند پرداخت. اقامت وی در هند حدود پنج سال، از سال ۱۲۲۰ تا ۱۲۲۵ ق، طول کشید. وی در آنجا با علما و دولتمردان آن نواحی و همچنین صاحب منصبان انگلیسی آشنا شد. در کتابش مرآت الاحوال جهان‌نما به شرح مشاهداتش و اطلاعاتی که در آن سفرها به دست آورده بود می‌پردازد و مطالب جامعی درباره‌ی کشور و مردمان هند بیان می‌کند. مرآت الاحوال جهان‌نما از اولین کتاب‌های فارسی است که اطلاعات کلی درباره‌ی اوضاع جغرافیایی و سیاسی جهان آن زمان و پیشرفت‌های علمی و اجتماعی اروپاییان به دست می‌دهد و از اروپاییان و به خصوص انگلیسی‌ها به خاطر اقتدار نظامی و فنی و علمیشان و تدبیر در کشورداری تقدیر می‌کند.<sup>۱</sup> در این کتاب آقا احمد کرمانشاهی اجمالاً به شرح هیئت جدید خورشید مرکزی کوپرنیک نیز می‌پردازد.<sup>۲</sup> این هیئت برای ایرانیان که در آن زمان عموماً به هیئت بطلمیوسی باور داشتند چالشی بزرگ بود. محمدحسین شهرستانی بدون شک از افق باز پدر بزرگ خود بهره برده و نسبت به دستاوردهای علمی و فنی اروپاییان بی تفاوت نبود. وی همواره به تحصیل علوم یا نقد آن‌ها می‌پرداخت. در کنار متون دینی که وی برای ارشاد مسلمین نوشته است، رساله‌های متعددی هم درباره‌ی علوم ریاضی و طبیعی نظیر علم هیئت و شیمی دارد.<sup>۳</sup> شهرستانی هنگامی که کتاب آیات بینات را نوشت هنوز به صحت علوم جدید بدبین بود و به هیئت قدیم زمین مرکزی بطلمیوسی باور داشت. در این کتاب وی نظام‌های اخترشناسی خورشید مرکزی و زمین مرکزی را به طور مختصر بررسی می‌کند و در مقایسه‌ی این دو، نظام بطلمیوسی را ترجیح می‌دهد، نه در وهله‌ی اول به سبب هماهنگی آن با نص قرآن، بلکه به خاطر دلایلی که وی عقلانی و مسلم می‌پنداشت. اما نکته‌ی مهم و راه‌گشایی که محمدحسین شهرستانی مطرح می‌کند این است که به اعتقاد وی نص قرآن و احادیث از هیچ یک از دو نظام جانبداری نمی‌کنند. به نظر می‌رسد که محمدحسین شهرستانی خود نیز چندی پس از تألیف کتاب آیات بینات نظریه‌ی زمین

۱. این کتاب تا کنون با سه ویرایش مختلف چاپ شده است: اولین بار در هند با ویراستاری شایسته خان در سال ۱۹۹۱ م (۱۳۷۰ ش) منتشر شد. در ایران ویرایش اول این کتاب توسط علی دوانی صورت گرفت (چاپ اول ۱۳۷۲) و ویرایش بعدی آن از طرف مؤسسه علامه‌ی مجدد وحید بهبهانی در دو جلد به سال ۱۳۷۳ چاپ شد که در اینجا به ویرایش اخیر ارجاع داده می‌شود. اولین بار استاد عبدالهادی حانزی در کتاب نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه‌ی تمدن بورژوازی غرب (چاپ اول ۱۳۶۷) در فصل هفتم مفصلاً به این کتاب و مؤلفش آقا احمد کرمانشاهی پرداخت.

۲. حانزی، عبدالهادی، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه‌ی تمدن بورژوازی غرب (چاپ اول ۱۳۶۷)، ص ۶۶۱ به بعد.

۳. مدرس، محمدعلی، ریحانة الادب، ج ۳، ۱۳۲۸ ش، ص ۲۷۳-۲۷۲.

مرکزی را رها کرده و به اخترشناسی جدید پیوسته باشد. سراج انصاری در مقدمه ترجمه فارسی کتاب اسلام و هیئت تألیف هبة الدین شهرستانی (۱۳۴۶-۱۲۶۳ ش/ ۱۸۸۴-۱۹۶۷ م) می نویسد که کتاب مؤند از محمدحسین شهرستانی در علم هیئت جدید و تطبیق آن با آیات و احادیث بهترین تألیفی بوده است که تا قبل از کتاب الهیة و الاسلام اثر هبة الدین شهرستانی که در سال ۱۳۲۷ ق/ ۱۲۸۸ ش/ ۱۹۰۹ م منتشر شد، در دسترس بود. سراج انصاری که خود از شاگردان هبة الدین شهرستانی بود اضافه می کند که این اثر باعث شد هبة الدین اخترشناسی بطلمیوسی را رها کرده، هیئت خورشید مرکزی را بپذیرد.<sup>۱</sup> البته با مراجعه به کتاب مؤند، که در دسترس نگارنده نبود، این مسئله را می توان روشن کرد.

### ملاحظات روش شناختی

آیت الله شهرستانی در این رساله می کوشد مطالب را حتی المقدور به زبان ساده بیان کند. وی برای شرح مطالب از مثال ها و داستان های گوناگون استفاده می کند و به گفته خودش برای رد عقاید نیچریان فقط به «ادله عقلیه» متوسل می شود (ص ۹). او برای عقل تعریفی هم به دست می دهد: «مراد از عقل درین مقام قوه ای است که انسان به آن تمیز دهد ما بین خیر و شر و نفع و ضرر، و به آن قوه جلب منافع و دفع مضار از خود و احباب خود کند» (ص ۱۴). شهرستانی در استدلال های خود در رد دهریون و اثبات وجود خالق مطلق کاملاً به اصول منطق سنتی، که عالم معروف قرن هفتم هجری علی بن عمر کاتبی قزوینی (وفات ۶۷۵ ق / ۱۲۷۶ م) در کتاب مهم خود الشمسیه به تشریح اصول آن پرداخته است، اتکا دارد. این کتاب همراه با شروح آن جزو دروس حوزوی و مدرسه ای بوده است. محمدحسین شهرستانی بر پایه طبقه بندی کاتبی قزوینی، تمامی «مدرکات عقلیه» را به دو دسته تقسیم می کند و به شرح اصول شش گانه «یقینیات ضروریه» چنین می پردازد: «مدرکات عقلیه بر دو قسم است ضروری و نظری. و اصول یقینیات ضروریه بر شش قسم است. اول: بدیهیات اولیه مانند اینکه واحد نصف اثنین است، و اجتماع ضدین ممکن نیست، و ترجیح بلا مرجح محال است.

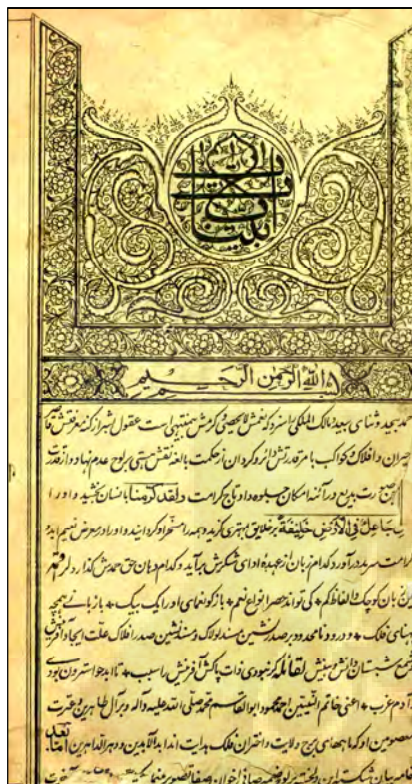
دویم: مشاهدات به حواس ظاهره یا باطنه، مانند اینکه سیاهی غیر از سفیدی است، و بلندی غیر از کوتاهی است، و جوع و شبع و لذت و آلم.

سیم: تجربیات، مانند اینکه سم قاتل است، و خمر مسکر است و نحو آن.

چهارم: حدسیات، مثل اتفاق اتباع که کشف از قول رئیس می کند.

پنجم: متواترات، مانند وجود مکه و هند و دعوت موسی و عیسی و محمد و نحو آن.

۱. الهیة و الاسلام، تألیف هبة الدین شهرستانی، تبریز ۱۳۴۲ ش، صفحه لب.



صفحه نخست چاپ سنگی آیات بینات

ششم: فطریات، مانند اینکه اربعه زوج است، و ثلثه فرد است و امثال آن" (ص ۹-۱۰).

از منظر منطق و روش شناسی جدید علوم، طبقه بندی شش گانه بالا با یکدیگر تداخل دارند و مرزبندیشان مشخص نیست. بعضی، مثلاً «بدیهیات اولیه»، «مشاهدات به حواس ظاهره یا باطنه» و «تجربیات» و با تأملاتی حتی «فطریات» اجزایی از مقوله گسترده حقیقت تلقی می شوند. علاوه بر این، «حدسیات» و «متواترات» در علوم طبیعی معیارهای معتبری نیستند. البته «متواترات» در علوم حدیث و تاریخ وسیعاً به کار گرفته می شود، و استناد به آن همواره باید با احتیاط و دقت توأم باشد. شهرستانی همچنین قائل است که علوم نظری مثل نظریه های تکامل باید قابل اثبات باشند، بدین طریق که در نهایت به یقینات ضروری برسند: «باید علوم نظریه منتهی به ضروری شوند» (ص ۱۰).

بدین طریق شهرستانی پایه منطقی استدلال های خود را قبل از پرداختن به جزئیات برای خوانندگان

روشن می کند. این خود نشان می دهد که شهرستانی بر این باور بود که رد نظریات نیچریان و اثبات وجود خالق مطلق با اتکاء به عقل ممکن است و احتیاجی به استناد به آیات قرآنی نیست. بدین خاطر وی از آیات قرآن نه برای اثبات بلکه برای نشان دادن همخوانی نتایج استدلال هایش با آن ها استفاده می کند و آن ها را تقریباً همواره در حاشیه متن می آورد.

آیت الله شهرستانی در این رساله به موازات رد فرضیه هایی که به نیچریان نسبت می دهد، دلایل متفاوتی برای اثبات اصول دین از جمله اثبات واجب الوجود، توحید، نبوت و معاد و همچنین معجزات به کار می گیرد. شهرستانی بخش قابل توجهی از کتاب را به اثبات حدوث ماده و عالم و خلق موجودات اختصاص داده است. این اثبات عمدتاً در چارچوب سنتی کلامی با استفاده از مفهومی های جوهر و عَرَض و علت و معلول، کون و فساد و غیره صورت می گیرد و مأخوذ است از اثبات حدوث عالم متکلمان. شهرستانی با آوردن شاهد، مثال و مصداق درک آن را برای خوانندگان آسان می کند.





## ردیه‌های شهرستانی

در ابتدا باید به این نکته اشاره کنم که شهرستانی، بر خلاف اسدآبادی به داروین و اصل تنازع بقاء وی اشاره‌ای نمی‌کند و یا نامی هم از لامارک و سایر دانشمندان اروپایی، که در تدوین پایه‌های تکامل طبیعی سهم بودند، نمی‌برد، ولی به مطالبی می‌پردازد که قبل از نظریه داروین مطرح نبودند.

اولین ردیه و شاید مهم‌ترین آن‌ها راجع به علت پیدایش حیات بر روی زمین است. داروین پیدایش حیات را به تصادف موکول کرده بود. تصادف هم بنا بر قول کلامی ذاتاً غیر ضروری است. چنان که گفته شد یکی از شروط روش شناختی شهرستانی این بود که علوم نظری باید به ضروریات منتهی شوند. به همین خاطر شهرستانی نظریه داروین را، که پیدایش زندگی را بر پایه تصادف قرار داده بود، مردود می‌داند.

البته این شرط در رابطه با علوم جدید قابل تعمیم نیست، ولی در قرن نوزدهم میلادی (۱۳ق) نه تنها در ایران بلکه در اروپا نیز این شرط مورد قبول اکثر فلاسفه و منطق دانان بود. مثلاً در انگلستان ویلیام هیول<sup>۱</sup> فیلسوف و نظریه‌پرداز بزرگ علوم، نظریه تکامل داروین را درست به همین دلیل رد کرد. وی همانند شهرستانی بر این باور بود که نظریه تکامل داروین نمی‌تواند پیدایش حیات را از طریق علل طبیعی که ضرورتاً قابل تأیید باشند، شرح دهد، بلکه مجبور است آن را به وجود شرایط تصادفی موکول کند.<sup>۲</sup> این نقد همواره یکی از مهم‌ترین «نقطه ضعف»های داروینیسیم در نظر منتقدین بوده است. ولی باید یادآور شد که هدف داروین نه تفسیر پیدایش موجود زنده، بلکه پیدایش انواع و کشف سازوکار آن بود.

در این جا لازم است کمی تأمل کنیم. در واقع داروین این خدمت را به روش‌شناسی علوم کرد که نشان داد می‌توان یک نظریه علمی به دست داد که بر خلاف مدل‌های مورد قبول تا آن زمان متکی و بر پایه ضروریات نباشد. یکی از همعصران داروین در انگلستان به نام ویلیام جِونز در همان سال‌ها گفت که علوم طبیعی بر پایه فرضیات ساخته شده‌اند و تنها آزمایش است که نشان می‌دهد تا چه حد یک نظریه قابل اعتماد است و مقبولیت هر نظریه وابسته به تعداد پیش‌بینی‌های صحیح آن است.<sup>۳</sup>

حالا برگردیم به ایران و ردیه شهرستانی. شهرستانی هم همانند هیول توجیه پیدایش حیات در روی زمین بر پایه اتفاق را مردود می‌دانست. وی در این رابطه تأکید دارد که فقط در شرایط استثنایی

1. William Whewell (1794-1866).

۲. ر. ک. به:

Hull, David, "Charles Darwin and Nineteenth-Century Philosophy of Science", in *Foundations of Scientific Method: The Nineteenth Century*, ed. Ronald N. Giere & Richard D. Westfall, London, 1973, p. 119.

3. Jevons, William Stanley, *The Principles of Science: A Treatise on Logic and Scientific Method*, 1874, 2 vols.

ممکن است عملی تصادفاً به مقصود برسد و تیری رها شده در تاریکی به دشمن اصابت کند. ولی عمل خلقت با این پیچیدگی و تنوع نمی‌تواند تصادفی باشد، بلکه فقط حاصل طرح و عمل «مدبر حکیم» است. وی احتمال پیدایش تصادفی حیات را همان قدر ناممکن و مستحیل می‌داند که مثلاً تصادفاً «مگس‌ها بر صفحه کاغذی بنشینند، و از فضله آن‌ها، که در آنجا ریزد، نقشه شهر لندن با اسامی هر خانه به قلم انگریزی [=انگلیسی] منقش» شود (ص ۲۷). این نقد مشخصاً راجع است به رأی داروین که پیدایش موجود زنده را به شرایط تصادفی موکول کرده بود. اشاره به شهر لندن هم احتمالاً تصادفی نیست، بلکه کنایه‌ایست به محل زندگی داروین.

شهرستانی ردیه‌های دیگری هم عرضه می‌کند که تکیه بر استدلال‌های ریاضی و منطقی دارند. برای اثبات بطلان تکامل، شهرستانی دو استدلال ریاضی می‌آورد که یکی بر پایه «بطلان تسلسل» است و دیگری بر اساس حساب اعداد زوج و فرد (ص ۴۱ و ۴۲) که هر دو به طور صوری مشابه هستند. در اینجا فقط به بیان یکی از آن‌ها اکتفا می‌کنم. شهرستانی می‌نویسد:

«شبهه نیست که سلسله انسانی به طریق پسری و پدری است ... یعنی نسبتی است که دو طرف می‌خواهد، پسر بدون پدر و پدر بدون پسر تصور نتوان کرد... پس می‌گوییم شخصی که پسر است و اولادی ندارد منتهی الیه سلسله طولیه است و پدر او دارای هر دو صفت است ... پس اگر در مبدأ سلسله منتهی شد به کسی که پدر باشد و پسر کسی دیگر نباشد، مثل حضرت آدم، سلسله ابوت و بنوت متساوی می‌شود».

در غیر این صورت خلاف اصل «تضایف» می‌شود و باطل است. جرجانی اصل تضایف را اینطور تعریف می‌کند: «بودن دو چیز چنانکه تعلق یکی از آن دو سبب تعلق دیگری بدو باشد»<sup>۱</sup>. شهرستانی در ادامه استدلال سومی هم عرضه می‌کند (ص ۴۲) که شکل دیگری از استدلال دوم است که آن هم صورتی است از پارادوکس معروف اولویت مرغ یا تخم مرغ. البته شهرستانی فرض را بر این می‌نهد که دو نسل متعاقب از نظر ویژگی‌های زیست‌شناسی عیناً برابرند. برای شهرستانی این یک فرض مسلم بود که پایه در هستی‌شناسی کلامی وی داشت. درست همین فرض را پیروان تکامل طبیعی مردود می‌شناختند. آن‌ها قایل به جهش بیولوژیک بودند. داروین خود به این مشکل آگاه بود که چطور می‌توان این جهش را توضیح داد. وی مدل‌های مختلفی از جمله مدل همه‌زایی (پان جنسیس)<sup>۲</sup> را برای توارث پیشنهاد کرد، تا تغییرات تکاملی را توضیح دهد.

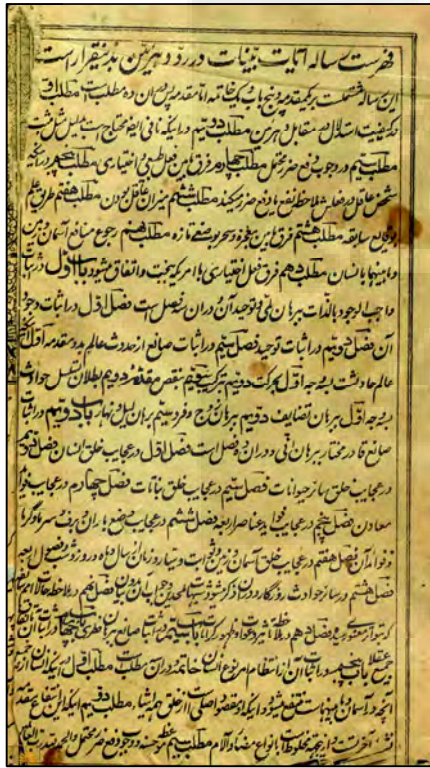
۱. جرجانی، التعریفات، ص ۶۲-۶۳.

۲. pangenesis دیدگاهی متکی بر این که هر باخته پدر و مادر در تولید مثل به صورت ذره کوچکی تظاهر پیدا می‌کند و هر باخته موجود زنده حاوی همه ویژگی‌های آن نوع است.

شهرستانی در رابطه با ویژگی های انسان و موجودات متنوع استدلال می کند همان گونه که انسان کشتی را آن طور می سازد که بتواند در آب شناور باشد، خداوند نیز موجودات را مطابق با طرح مطلوب خود خلق کرده است تا بتوانند در محیط زیست خود زندگی کنند. خداوند «حیوانات آبی را مناسب آب خلق نموده، پس به جهت آن ها ریه که آلت تنفس است، قرار نداد، چون تنفس در آب ممکن نیست. و به جهت آن ها اسباب شنا کردن در آب به عوض پاها خلق فرمود. و هر یک که ذوجهتین اند، یعنی در آب و خارج آب آیند، مانند سنگ پشت و ضفدع،<sup>۱</sup> اعضای آن ها را مشترک قرار داد. پس پا دارند و هم پارو، زیرا که در مابین انگشتان آن ها پرده ای است به جهت شنا کردن» (ص ۵۴). این نوع استدلال را طبق دسته بندی ارسطو استدلال بر پایه علت غایی می خوانند. امروزه نیز بسیاری از خلقت گرایان<sup>۲</sup> به ویژه در غرب که به «طرح هوشمند»<sup>۳</sup> باور دارند،

برای توضیح موجودات متنوع از همین نوع استدلال استفاده می کنند. شهرستانی با قراردادن این تفسیر، که او آن را با نص قرآنی همخوان نموده بود، در مقابل اصل تنازع بقا و انتخاب طبیعی به نوآوری مهمی دست یافت.

با پیشرفت علوم و فناوری در سده ۱۹م/۱۳ق و کشفیات جدید در شیمی و فیزیک و اختراع فن عکاسی و تلگراف و آلات صنعتی مثل ماشین بخار و غیره و امکان ایجاد پدیده هایی، که احياناً در گذشته غیر ممکن بودند یا از قماش سحر و معجزه شمرده می شدند، این سؤال بیش از پیش مطرح می شد که چه چیز سحر است و چه چیز معجزه و چه چیز را می توان از طریق علم توضیح داد. شاید هم در میان گروهی این شک ایجاد شده بود که چون توضیحی بر اساس علوم جدید برای توجیه معجزاتی که در کتب مقدس آمده اند نیست، پس این معجزات افسانه اند. البته پرسش فرق بین



صفحه فهرست چاپ سنگی آیات بینات

۱. وزغ، غوک

2. Creationists  
3. intelligent design

معجزه و سحر از قدیم پیش آمده بود. پاسخ بدان معمولاً این بود که فرق اساسی بین معجزه و سحر در این است که معجزه فقط از طریق پیامبران پدید می‌آید و آن هم در هنگام تحدی یعنی به چالش کشیده شدن آنان برای اثبات دعوی پیامبری شان.

اما شهرستانی پاسخ‌های سنتی را نارسا شمرده و به این سؤال پاسخ دیگری می‌دهد. پاسخ وی مطابق است با جوابی که آیت الله میرزا ابو القاسم قمی (۱۱۵۱-۱۲۳۱ ق) چندی قبل از او در کتاب خود رساله فی اصول الدین مطرح کرد.<sup>۱</sup> شاید قبل از او هم کسانی آن را گفته باشند. فرق بین معجزه و سحر را شهرستانی در این می‌داند که سحر «اسباب خفیه» دارد که ساحران و شعبده‌بازان بدان پی برده‌اند و می‌توانند چیزهای خارق‌العاده را باعث شوند. ولی معجزه دارای چنین عللی نیست و فقط با خواست خداوند بروز می‌کند. همچنین سحر غالباً حقیقتی ندارد و نمی‌تواند مانند معجزه تغییرات کلی به وجود آورد.<sup>۲</sup> مثلاً ساحر نمی‌تواند «به اعانت طیور سنگ بر طایفه ببارد و ایشان را تلف کند.»<sup>۳</sup> یا «شتری از سنگ بیرون آورد و از شیر او جمعی را سیراب کند.»<sup>۴</sup> بدین ترتیب او معجزات را خارج از محدوده پدیده‌هایی می‌داند که توسط علیت قابل توضیح هستند. در اینجا یک مشکل کلامی به وجود می‌آید که شهرستانی برای حلش جوابی عرضه نمی‌کند. وقتی معجزات از قلمرو علیت خارج شوند دلیلی نیست که بتوان آنان را به خداوند نسبت داد. چون همواره اثر باید به مؤثر دلالت کند، اگر علیتی در کار نباشد از اثر به مؤثر نمی‌توان رسید. شهرستانی در مقابل، سحر و جادو و شعبده را دارای «علت خفیه» می‌داند، که ساحر و شعبده‌باز بدان پی برده‌اند، ولی آن علت بر ناظران پوشیده است. قابل ذکر است که شهرستانی در این رساله تفاوتی بین سحر و جادو و شعبده قائل نمی‌شود، و همه را، تا جایی که به علیت مربوط می‌شود، از یک قماش می‌پندارد.

شهرستانی برای مثال از نمایش‌ها و آزمایش‌هایی که میرزا ملکم خان احتمالاً در دارالفنون انجام می‌داد به عنوان «لعب و بازی و شعبده» یاد می‌کند. البته نزول دادن مرتبه علمی این آزمایش‌ها و همدریف کردن آن‌ها با شعبده‌بازی این امکان را به شهرستانی می‌داد تا خود را از عرضه دلایل علمی چه بر مبنای فیزیک ارسطویی یا کلامی و چه بر مبنای قوانین فیزیک یا شیمی معاف بداند. شاید طفره رفتش بدین خاطر باشد که وی دلایلی را که برای توضیح این آزمایش‌ها از جانب میرزا ملکم خان و دیگران در راستای علوم فیزیک و شیمی عرضه می‌شد غیر قابل قبول می‌دانست.

۱. چاپ ۱۳۰۸، ص ۲۷-۳۲.

۲. «سحر غالباً حقیقتی از برای او نیست و تصرفات کلیه در اعیان موجوده تواند کرد» (ص ۲۳).

۳. همانجا. اشاره به معجزه در ماجرای اصحاب فیل است (سوره فیل).

۴. همانجا. اشاره به معجزه حضرت صالح<sup>ع</sup> است (سوره هود ۶۴/۶۵).

این امر با موضع وی در رد علم هیئت جدید که مبتنی بر وجود خلاء و جاذبه یا گرانش است همخوانی دارد.

چنان که در بالا آمد، شهرستانی گویا بعدها تغییر موضع داده و برخی از «علوم غربی» را قبول کرده است. طبق نوشتهٔ مدرس طباطبایی، شهرستانی رساله‌ای هم در علم شیمی دارد به نام شرح الحديد<sup>۱</sup> که متأسفانه در دسترس نگارنده نبود. البته بررسی این رساله و نوشته‌های دیگر او روشن خواهد کرد وی علم هیئت و شیمی و سایر علوم جدید را چگونه و تا چه اندازه اقتباس کرده است. در رابطه با کتاب آیات بینات جالب است به کتاب روحانی دیگری توجه کنیم. مهدی نجفی اصفهانی مسجد شاهی (۱۳۵۲-۱۲۵۹ ش/۱۸۸۱-۱۹۷۳ م) یکی دیگر از روحانیانی بود که کتابی در رد داروین و ماتریالیسم نوشت. عنوان این نوشته کتاب مرتفق است که به سال ۱۳۴۸ ق/۱۳۰۸ ش/۱۹۲۹ م، قریب ۵۰ سال پس از کتاب آیات بینات منتشر شد. نجفی در آن به مسائل مورد بحث روز پرداخت. از جمله این مسائل نظریهٔ داروین و علم هیئت جدید بود. کتاب مرتفق نیز دارای بخش عمده‌ای است که در آن به ارشاد عوام می‌پردازد و در اثبات توحید و نبوت و رد مسیحیت است. قسمت آخر در رد مسیحیت احتمالاً به خاطر افزایش فعالیت‌های مبلغان مسیحی در آن دوران بوده است. این کتاب به سبک گفتگویی بین دو دوست تنظیم شده است که از این جهت شباهت به جلد دوم کتاب نقد فلسفهٔ دارون تألیف محمد رضا اصفهانی دارد. ولی نجفی هیچ اشاره‌ای به این کتاب نمی‌کند. رد ماتریالیسم قرن ۱۹ م، که به نظر او همان داروینیسیم است، جزو اولویت‌های کتاب مرتفق است و مقایسهٔ آن با کتاب آیات بینات می‌تواند نکات جالبی را آشکار کند.

نجفی، شاید طبق معمول، منبع اطلاعات خود را مشخص نمی‌کند. او از نظریهٔ داروین با عنوان «فلسفهٔ نشو و ارتقاء» یاد می‌کند (نجفی، ۱۰). این عنوان درست ترجمهٔ عنوان کتاب فلسفهٔ النشو والارتقاء است که شبلی شمیل بر ترجمهٔ تفسیر بوشنر بر داروینیسیم، که به عربی برگردانده بود، گذاشت. در واقع این عبارت توسط شمیل برای بیان تکامل (evolution) به کار برده شده بود. به هر حال، بعید است که نجفی تفسیر بوشنر یا کتاب نقد فلسفهٔ دارون را خوانده باشد، چون اطلاعاتی که وی راجع به داروین می‌دهد دقیق نیست. همچنین به نظر می‌رسد که نجفی ماتریالیسم بوشنر را با نظریهٔ داروین خلط کرده و هر دو را نادقیق عرضه می‌کند. نجفی می‌نویسد:

«این فلسفهٔ نشو و ارتقاء است که اصلش از دارون انگلیسی متوفی در سال ۱۸۸۴ میلادی است. وی اصل عالم را ماده می‌داند، سیال خفیف‌تر از هوا که اثیرش

۱. مدرس، محمدعلی، ریحانة الادب، ج ۳، ۱۳۲۸ ش، ص ۲۷۳-۲۷۲.

نامیده اند و فضا را پر کرده و همیشه بوده و اجزاء آن حرکت می نموده و نه وجودش و نه حرکتش راسببی در کار بوده بلکه بی جهت از باب اتفاق چنین می نموده» (ص ۱۰).

در ادامه، مطالبی بیان می کند راجع به پیدایش گیتی که ربطی به داروینیسیم ندارد. او می نویسد:

«و گاهی این اجزاء به گرد هم بر آمده، ماده سدیمی [=ابر مانند] تشکیل می داده از اجسام کوچک و آن‌ها همدگر را جذب می کرده یک کره بزرگی می گردیده و بر گرد خویش می گردیده و مشتعل می گردیده است. و این خورشیدی است که از او ستارگانی می پریده چون جرقه که از آتش سوزنده کنده شود، و آن‌ها سیاراتند. و یکی از آن خورشیدها خورشید ما است و یکی از آن سیاره‌ها زمین» (همانجا).

نجفی می گوید که داروین بر این باور است که نه تنها سیاره زمین بلکه زندگی بر روی آن تصادفاً به وجود آمده است. موجودات زنده بنا بر اصل تنازع بقاء که وی شرح می دهد تکامل می یابند. آن‌ها که ضعیف هستند توسط آن‌هایی که قوی هستند از بین می روند و آن‌ها که قوی هستند ادامه حیات می دهند (ص ۷-۱۱). نجفی پس از توصیف نظریه داروین بدین سان، به رد این نظریه می پردازد. در اینجا لازم به تذکر است که ردیه نجفی در مواردی شباهت زیادی، هم از لحاظ محتوی و هم از لحاظ فرم، به ردیه شهرستانی دارد. به دلایلی که خواهد آمد، نجفی بدون اینکه از آیات بینات نامی ببرد، مسلماً از آن استفاده زیادی کرده است. نجفی هم مثل شهرستانی بر این باور است که این نظام کیهانی و پیچیدگی موجودات زنده نمی تواند حاصل تصادف باشد. او می گوید که احتمال تصادفی پیدایش چنین نظامی همان قدر ناچیز است که حاصل شدن دیوان کامل حافظ با ریختن مرکب بر صفحات کاغذ غیر ممکن است. نجفی می پرسد:

چگونه می توان «خلقت عالم که پر است از مخلوقات منظمه که در ... هر مخلوقی حکمت‌های چند به کار رفته که عقل زیرک آن را شماره نتوان نمود، به اتفاق توان نسبت داد؟» (ص ۱۱-۱۲).

وی ادامه می دهد:

«اگر شما یک ظرف را مملو از مرکب نمودید و آن را بر روی چند کاغذ برافشانید، آیا قبول می کنید این که به مرور دهور، ضعیف و غیر محتمل [است] که آن سیاهی‌ها محو گردد، باقی مانده یک کتاب مرتبی شود مثل آن که آن را به عمد نوشته اند، مثلاً دیوان خواجه حافظ در این اوراق بالتمام خوانده شود؟» (ص ۱۲).

نجفی مسلماً این تمثیل را از کتاب آیات بینات اخذ کرده و به جای فضله مگس مرکب و به جای نقشه لندن دیوان حافظ را قرار داده است. تمثیل‌های دیگری نیز وجود دارند که این اقتباس را محرز می کنند. به عنوان مثال، شهرستانی در مضمون رد اتفاق و لزوم مدبر حکیم مثالی می آورد که

نجفی درست در همان مضمون آن را اقتباس می‌کند. بد نیست این دو مثال را با هم مقایسه کنیم. شهرستانی می‌نویسد:

«اما هیچ عاقلی احتمال می‌دهد که این قسم نقوش و تصویر و الوان و طعوم و خواص و منافع [برگ درختان] بدون مدبر حکیم باشد؟ ... در مثل است که شخصی به باغی رفته زردک و شلغم بسیاری چیده در بغل خود گذاشت، ناگاه صاحب باغ رسیده گفت: در اینجا چه می‌کنی؟ گفت: در کوچه راه می‌رفتم، ناگاه باد تندی آمد و مرا از زمین ربوده در اینجا انداخت. گفت این شلغم و زردک‌ها را کی کند؟ گفت: باد می‌خواست مرا از اینجا نیز بردارد، من چنگ در این علفها زدم یکی یکی کنده می‌شد، من به دیگری چسبیدم. گفت: بسیار خوب کی اینها را در بغل تو گذاشت؟ گفت منم در همین فکر بودم که تو رسیدی. سبحان الله!» و اضافه می‌کند: «یقین اگر شخص دهری این کار را کند، جواب او این خواهد بود که طبیعت عناصر این زردک‌ها اقتضا کرد که از محل خود کنده شود و به بغل من داخل گردد، و یا اینکه بغل من جاذبه دارد که آنها را جذب نموده» (ص ۶۰-۶۱).

نجفی همین مثال را درباره لزوم وجود مدبر حکیم با کمی تغییر چنین نقل می‌کند:

«دزدی از دیوار به باغی آمد و از میوه‌ها چید و در دامن ریخت و دامن به کمر بست. باغبان برسد و عتاب نمود که از چه روی چنین به باغ مردم در آمدی؟ گفت: تند بادی مرا بلند کرد و بدین باغ در انداخت. گفت: میوه چرا چیدی؟ گفت: بادی که انسان را به هوا برد و از دیوار داخل باغ کند، البته می‌تواند میوه را از درخت بریزد. گفت سلیمان، این همه راست و درست است، کی میوه‌ها را در دامن تو ریخت؟ و طرف دامن را به کمر زد. بیچاره متحیر بماند. الحال ملاحظه فرما، دو سه عمل منظم را نمی‌توان به اتفاق نسبت داد» (ص ۱۱).

دیگر از همین تشابهات، طرح هوشمند، اثبات اصول دین و به ویژه اثبات معجزات هستند، که در اینجا فقط به آخری اشاره می‌شود. البته نجفی از شعبده و سحر نام نمی‌برد ولی به «معجزه یا غیره» اشاره می‌کند. نجفی همان دسته‌بندی شهرستانی را، که در بالا ذکر شد، به کار می‌گیرد. نجفی می‌نویسد:

«همه مصنوعات ... به اراده او [خداوند] آفریده شده‌اند به مجاری اسباب ظاهره و غیر ظاهره و گاهی بی‌سبب، چون حکمت اقتضا کند، چون معجزات یا غیره» (ص ۱۱۴).

غیر معجزه شامل مصنوعات عادی با اسباب ظاهره، و مصنوعاتی که اسباب «غیر ظاهره» دارند، احتمالاً نظیر سحر و جادو، می‌شود.

حال بپردازیم به موارد اختلاف این دو ردیه. نجفی در زمانی کتاب مرتفق را نوشت که علوم جدید در ایران نهادینه شده بود. او هیئت خورشید مرکزی را قبول داشت و علوم فیزیک و شیمی را منافی دین نمی‌دید، بلکه به عکس. او می‌نویسد:

«علوم طبیعی چون فیزیک و شیمی پی بردن به خواص و تأثیراتیست که خداوند تعالی در اجسام مقرر فرموده، چنانچه تأثیراتی در آب و خاک و حرارت در انبات نبات مقرر داشته یا در نطفه و رحم و در تکوین حیوانات؛ و پی بردن به اینها باید اعتقاد به صانع را زیاد کند، برای اینکه اثر دلالت بر مؤثر و حکمت بر حکیم می‌نماید. پس علم هیچ‌گاه با اقرار به صانع مضاده نتواند داشت بلکه هر بابی از آن شاهدهی بر وجود صانع مدبر حکیم است» (ص ۱۱۳).

نجفی به حقیقت هیئت جدید باور دارد و به تفصیل به تفسیر آیات قرآنی، احادیث نبوی و اخبار امامان می‌پردازد و بر این باور است که آن‌ها اشاره بر صحت هیئت جدید دارند. وی علت مقبول بودن هیئت بطلمیوسی در نزد قدما را پی نبردن آنان به معانی واقعی این متون می‌پندارد (ص ۴۵-۳۱، ۷۵-۵۱). نجفی تا این حد پیش می‌رود که می‌گوید علوم حتی می‌توانند به درک معنی اشارات قرآنی کمک کنند و او آماده است تا به کمک علوم اشارات آن را کشف کند. او حتی ادعا کرد که به کمک کشفیات علمی دریافته است که بهشت بر روی کره مشتری است و جهنم هم در مرکز زمین است (ص ۷۹).

یکی دیگر از تفاوت‌های ردیه‌های شهرستانی و نجفی بر داروینیسیم راجع به اصل معروف به تنازع بقاء است. چنان که گفته شد شهرستانی به این اصل اشاره‌ای نمی‌کند؛ شاید به این خاطر که اطلاع وی از نظریه داروین نارسا بوده و شاید هم از این رو که وی این اصل را از بدیهیات می‌دانسته و در صحتش تردیدی نداشته است. ولی نجفی این اصل را به معنای نزاع حیوانات با هم و امحاء یکی توسط دیگری تعبیر می‌کند و حیران است که چگونه این اصل می‌تواند بر نباتات صادق باشد (ص ۱۰۳-۹۹). نجفی به خاطر نسبت دادن نظریه پیدایش گیتی، که در بالا آورده شد، به داروین، ادعا می‌کند که چون ثابت شده است که سیارات از خورشید جدا نشده‌اند، بنا بر این نظریه داروین باطل است (ص ۱۰۱). دلیل دیگری که نجفی برای بطلان نظریه داروین می‌دهد قدیم نبودن ماده است (ص ۱۰۱-۱۰۰).

البته موارد زیادی برای مقایسه این دو کتاب وجود دارد، که در اینجا بدان نمی‌پردازیم. ولی می‌بینیم که عمدتاً در فاصله زمانی بین این دو ردیه، تغییر مهمی در دید جهان و تغییر پارادایم (بُن‌نگره)<sup>۱</sup> در جامعه فرهیختگان دیده می‌شود. در واقع با توجه به تاریخ علوم در ایران و برخورد

۱. نظریه یا مفهومی در زمینه یک رشته علمی که اصول راهنما برای پژوهش‌ها و پرسشگری‌های بعدی در آن زمینه را فراهم می‌آورد.





علوم سنتی باعلوم جدید، شاهد رودررویی طرفداران علوم جدید و پیروان علم سنتی در اواخر دوره قاجار یعنی اواخر قرن ۱۳ق/ ۱۹م هستیم. این تقابل در زمان مشروطه جنبه سیاسی به خود گرفت و در تقابل بین مخالفان و موافقان مشروطه تبلور یافت. درست در همین هنگام است که کتاب الهیة والاسلام هبة الدین شهرستانی و نقد فلسفة دارون محمدرضا اصفهانی منتشر می‌شوند که نشان دهنده تغییر پارادایم در جامعه فرهیختگان است. روحی که پس از آن کم کم گسترش می‌یابد روح پوزیتیویسم است که ما در بالا، در رویکرد به علوم فیزیک و شیمی و غیره و انتظارات نجفی از آن علوم، آن را دیدیم. همین روح است که چندی بعد الهام دهنده مهدی بازرگان و یدالله سحابی و دیگران شد.